

Short Stories with Peter: After Twenty Years by O. Henry (Abridged B1–B2 Level)

English learning resource · FA

Line-by-line · English + Persian

77 lines

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

Welcome to Short Stories with Peter from Your English Toolbox.

به Short Stories with Peter از Your English Toolbox خوش آمدید.

I am Peter.

من پیتر هستم.

Tonight, two old friends will keep a promise they made twenty years ago.

امشب دو دوست قدیمی به قولی که بیست سال پیش داده‌اند وفا خواهند کرد.

But one of them will have to make a painful choice.

اما یکی از آن‌ها باید تصمیمی دردناک بگیرد.

This is an abridged B1–B2 adaptation of After Twenty Years by O. Henry, first published in 1906.

این اقتباسی کوتاه‌شده در سطح B1–B2 از داستان After Twenty Years اثر O. Henry است که نخستین بار در سال ۱۹۰۶ منتشر شد.

It was almost ten o'clock on a cold, wet night in New York City.

در شبی سرد و بارانی در شهر نیویورک نزدیک ساعت ده بود.

The shops were closed, and the wind had emptied the streets.

مغازه‌ها بسته بودند و باد خیابان‌ها را خالی کرده بود.

A uniformed patrolman walked along the avenue, checking every dark doorway.

یک مأمور گشت یونیفرم‌پوش در خیابان پیش می‌رفت و هر ورودی تاریک را بررسی می‌کرد.

Outside a closed hardware shop, he saw a man with an unlit cigar.

بیرون یک ابزارفروشی بسته، مردی را دید که سیگاری روشن‌نشده در دست داشت.

It is all right, officer.

همه‌چیز روبه‌راه است، افسر.

I am waiting for a friend.

منتظر یکی از دوستانم هستم.

We arranged to meet here twenty years ago tonight.

بیست سال پیش قرار گذاشتیم امشب اینجا همدیگر را ببینیم.

Twenty years is a long time between meetings.

بیست سال فاصله زیادی میان دو دیدار است.



What was here then?

آن زمان اینجا چه بود؟

A restaurant called Big Joe Brady's stood on this exact spot.

درست در همین نقطه رستورانی به نام Big Joe Brady's قرار داشت.

It was pulled down five years ago.

پنج سال پیش آن را خراب کردند.

The waiting man struck a match and lit his cigar.

مرد منتظر کبریتی روشن کرد و سیگارش را آتش زد.

For a moment, the flame showed his sharp eyes, a white scar near one eyebrow and a diamond tie pin.

برای لحظه‌ای شعله چشمان تیز او، زخمی سفید نزدیک یکی از ابروهایش و سنجاق کراواتی الماس‌نشان را آشکار کرد.

My name is Bob.

اسم من باب است.

Jimmy Wells and I grew up together here in New York.

من و جیمی ولز همین‌جا در نیویورک با هم بزرگ شدیم.

He was my best friend, and we were almost like brothers.

او بهترین دوستم بود و تقریباً مثل دو برادر بودیم.

I left for the West to make my fortune, but Jimmy refused to leave New York.

من برای ثروتمند شدن به غرب رفتم، اما جیمی حاضر نشد نیویورک را ترک کند.

So we promised to meet here again on this date, exactly twenty years later.

پس قول دادیم دقیقاً بیست سال بعد در همین تاریخ دوباره اینجا همدیگر را ببینیم.

Did you stay in contact?

با هم در تماس ماندید؟

For a while, but then we lost track of each other.

مدتی بله، اما بعد از حال یکدیگر بی‌خبر شدیم.

Still, Jimmy was the most loyal man I ever knew.

با این حال، جیمی وفادارترین مردی بود که در عمرم شناختم.

If he is alive, he will turn up.

اگر زنده باشد، حتماً پیدایش می‌شود.

Bob proudly showed him an expensive watch covered with small diamonds.

باب با افتخار ساعتی گران‌قیمت پوشیده از الماس‌های کوچک به او نشان داد.

The West gave me everything I wanted.

غرب هرچه می‌خواستم به من داد.



I hope your friend comes.

امیدوارم دوستتان بیاید.

Good night, sir.

شب به خیر، آقا.

The patrolman disappeared into the rain.

مأمور گشت در باران ناپدید شد.

Bob waited in the doorway for another twenty minutes.

باب بیست دقیقه دیگر در ورودی منتظر ماند.

Then a tall man in a long coat hurried across the street.

سپس مردی قدبلند با پالتویی بلند با شتاب از خیابان عبور کرد.

Is that you, Bob?

باب، خودتی؟

Is that you, Jimmy Wells?

جیمی ولز، خودتی؟

It is Bob, exactly as I hoped.

باب است، درست همان طور که امیدوار بودم.

I wish the old restaurant were still here so we could have dinner together again.

کاش رستوران قدیمی هنوز اینجا بود تا دوباره با هم شام می خوردیم.

They shook hands warmly and began walking arm in arm.

گرم دست دادند و دست در دست هم به راه افتادند.

You have grown taller, Jimmy.

قدت بلندتر شده، جیمی.

I grew a little after I was twenty.

بعد از بیست سالگی کمی قد کشیدم.

At the next corner, a bright shop window lit both faces.

سر پیچ بعدی، نور ویتترین روشن یک مغازه چهره هر دو را روشن کرد.

Bob stopped and pulled his arm away.

باب ایستاد و دستش را کنار کشید.

You are not Jimmy Wells.

تو جیمی ولز نیستی.

Twenty years cannot completely change the shape of a man's nose.

بیست سال نمی تواند شکل بینی یک مرد را کاملاً عوض کند.



Sometimes twenty years can turn a good man into a bad one.

گاهی بیست سال می‌تواند مردی خوب را به مردی بد تبدیل کند.

You are under arrest, Bob.

باب، بازداشت هستی.

The police in Chicago have been looking for you.

پلیس شیکاگو دنبال تو می‌گردد.

Bob said nothing.

باب چیزی نگفت.

The detective took a folded note from his pocket.

کارآگاه یادداشتی تاخورد از جیبش بیرون آورد.

Before we go to the police station, I was asked to give you this.

پیش از رفتن به اداره پلیس، از من خواستند این را به تو بدهم.

It is from Jimmy Wells, the patrolman who spoke to you earlier.

این از طرف جیمی ولز است، همان مأمور گشتی که پیش‌تر با تو صحبت کرد.

Bob began reading with a steady hand, but by the final line it was trembling.

باب با دستی ثابت شروع به خواندن کرد، اما تا سطر آخر دستش می‌لرزید.

Bob, I came to our meeting place on time, wearing my patrolman's uniform.

باب، من سر وقت با یونیفرم پلیس به محل دیدارمان آمدم.

The moment you lit your cigar, I recognised you as the man wanted by the Chicago police.

همان لحظه که سیگار را روشن کردی، شناختمت که همان مرد تحت تعقیب پلیس شیکاگو هستی.

I did not have the heart to arrest you myself, so I asked a plainclothes officer to do it.

دلم نیامد خودم بازداشتت کنم، بنابراین از مأموری لباس شخصی خواستم این کار را انجام دهد.

Jimmy.

جیمی.

The uniformed patrolman Bob had spoken to first was Jimmy Wells.

مأمور یونیفرم‌پوشی که باب ابتدا با او صحبت کرده بود، جیمی ولز بود.

He had kept his promise, but the match had revealed that his old friend was a wanted man.

او به قولش وفا کرده بود، اما نور کبریت نشان داده بود که دوست قدیمی‌اش مردی تحت تعقیب است.

Jimmy chose his duty, although he could not arrest Bob with his own hands.

جیمی وظیفه‌اش را انتخاب کرد، هرچند نتوانست با دستان خودش باب را بازداشت کند.

End of the story.

پایان داستان.



Now, let's dive into the language and break down some of the key vocabulary from the story.

.....
حالا بیایید وارد بخش زبانی شویم و چند واژه و عبارت کلیدی داستان را بررسی کنیم.

To keep your word means to do what you promised.

.....
یعنی کاری را که قول داده‌اید انجام دهید To keep your word.

Both men kept their word by returning after twenty years.

.....
هر دو مرد با بازگشت پس از بیست سال به قول خود وفا کردند.

To lose track of someone means to stop knowing where that person is or what is happening in their life.

.....
یعنی دیگر ندانید آن شخص کجاست یا در زندگی‌اش چه می‌گذرد To lose track of someone.

Bob and Jimmy lost track of each other after Bob moved west.

.....
پس از رفتن باب به غرب، باب و جیمی از حال یکدیگر بی‌خبر شدند.

To turn up means to arrive or appear, especially when somebody is waiting.

.....
یعنی رسیدن یا ظاهر شدن، به‌ویژه وقتی کسی منتظر است To turn up.

Bob was certain that Jimmy would turn up.

.....
باب مطمئن بود که جیمی پیدایش می‌شود.

Not have the heart to do something means to feel unable to do it because it would be too painful.

.....
یعنی نتوانید کاری را انجام دهید چون بیش از حد دردناک است Not have the heart to do something.

Jimmy did not have the heart to arrest his childhood friend himself.

.....
جیمی دلش نیامد خودش دوست دوران کودکی‌اش را بازداشت کند.

The past perfect makes the order of past events clear.

.....
زمان past perfect ترتیب رویدادهای گذشته را روشن می‌کند.

They had promised to meet before they lost contact.

.....
پیش از آنکه ارتباطشان قطع شود، قول داده بودند همدیگر را ببینند.

Jimmy had recognised Bob before he asked another officer to arrest him.

.....
جیمی پیش از آنکه از مأمور دیگری بخواهد باب را بازداشت کند، او را شناخته بود.

What would you have done in Jimmy's place?

.....
اگر جای جیمی بودید، چه می‌کردید؟

Find the transcript, translations and vocabulary guide at yourenglishtoolbox.com.

.....
متن، ترجمه‌ها و راهنمای واژگان را در yourenglishtoolbox.com پیدا کنید.

The direct link to every resource is in this episode description.

.....
پیوند مستقیم همه منابع در توضیحات این اپیزود قرار دارد.

Thank you for listening.

.....
از اینکه گوش دادید سپاسگزارم.

